

نفوذ صنایع مستظرفه ایرانی*

در ترکستان قدیم

مهدی دیبا (شعاع‌الدوله)

در شماره اول مجله آینده شرحی دایر به تمدن باستانی ترکستان و تأثیرات نفوذ ایران در این تمدن نشر شده بود که خیلی جالب نظر و مفید بود. به واسطه اینکه نویسنده محترم در ضمن بیان انتشار ادبیات فارسی در آن صفحات ذکری از صنایع مستظرفه ایران که همیشه در ترقی ترکستان نفوذ کاملی داشته است نکرده‌اند لازم دانستم که چند کلمه در این خصوص برای یادآوری حقایق تاریخی نوشته تقدیم دارم.

اگرچه پیش از شرح انتشار صنایع ایران در ترکستان مقتضی بود شمه‌ای از کلیه تاریخ صنایع ایران ذکر شود ولی چون حدود این مختصر گنجایش آن را ندارد فقط به همین قسمت که موضوع صحبت است اکتفا می‌نمایم.

درموقعی که قطعه ترکستان تابع خلافت بغداد گردید و عربها آن را متصرف شدند به همان ترتیبی که صنایع ساسانیان در غرب تا سواحل دریای سیاه و بحر ایض نفوذ داشت در شرق نیز تا سرحد چین و هندوستان از طرف

*. آینده، شماره ۳، صص ۱۷۷ تا ۱۸۱.

صنعتگران ایرانی نشر و بسط داده می‌شد. بدین مناسبت در ترکستان حتی بعد از ورود عربها که زندگانی ایلیاتی داشتند کلیه صنایع در دست ایرانیها بود. همین صنعتگران نقاشی باستانی را با روح اسلام مطابقت داده یک سلسله از دبستانهای^(۱) نقاشی به وجود آوردند که یک دوره‌ای بسی مشعشع در تاریخ صنایع تشکیل می‌دهد. تا قرن چهاردهم میلادی یعنی حمله اول مغولها دبستان بغداد و نقاش‌های عهد خلفای عباسی معروف بودند و به همان اندازه که کلیه علوم در آن عهد طرف رغبت و توجه بود نقاشی هم ترقی داشت. آن‌همه قصرها و عمارات باشکوه و دل‌فریب که پایتخت خلفا بدان مباحثات می‌کرد از طرف صنعتگران ایرانی بنا و تزئین شده بود. سبک نقاشی این عهد عاری از نفوذ چینی بود بلکه نفوذ صنعت بیزانس که در آن عهد با ممالک اسلامی از نزدیک مربوط بود تا اندازه‌ای در آن محسوس بود ولی همیشه لطف قریحه و مشعر مخصوص به نژاد ایرانی اساس آن را تشکیل می‌داد.

در موقعی که در نتیجه یک قضای می‌شوم دیگ جوشنده مغولستان به فعالیت درآمد و صدهزاران مردمان گرسنه و ماجراجو ولی با جرأت و عزم بیرون ریخت و این سیل مخرب به طمع ثروت‌های بی‌پایان ممالک متمدنه به طرف مغرب سرازیر گردیدند نه رود معظم ولگا، نه دریای خزر و نه شواحق غیر قابل‌الوصول فلات ایران نتوانستند از این ایلغار بنیان‌کن جلوگیری کنند و این سیل خروشان تا بغداد فرود آمده (۱۲۵۰) در سراسر راه خود آنچه آثار عمران و صنمعت بود محو و نابود ساخت (از جمله شهر ری بود که در آن عهد در آبادی و عظمت آثار صنعتی شهرت تامی داشت. ظروف و اوانی که اخیراً از زیر تل‌های

خاک این شهر بیرون آمده است نشان می‌دهند که به چه اندازه نقاشان آن زمان صحت و سرعت قلم را با مهارت رنگ‌آمیزی توأم ساخته قدرت‌نمایی می‌کردند.) صنایع در ایران از این حادثه لطمه شدیدی خورد ولی محو نگردید. همین که فاتحین جدید که فقط سیاستاً مملکت را اداره می‌کردند موفق به استمرار حکومت خود گردیدند صنعتگران ایرانی با نفسی تازه به فعالیت درآمدند. حکمرانان مغول در اردوهای خود عده‌ای از صنعتگران چینی داشتند. چینی‌های آن عهد از حیث صنایع در اوج ترقی بودند. نقاشهای ایرانی همین که با آنها به اصطکاک درآمدند سبک ایرانی را با سبک چینی مزج داده دبستان ماوراءالنهر تشکیل شد. اگرچه سبک دبستان بغداد به واسطه دخول عناصر جدیده تغییر کرد ولی ماهیت ملی ایرانی آن حفظ گردید.

در دربار تیمور لنگ تعلیم و تربیت صنعتی و ادبی منحصرأ ایرانی بود و مشارالیه برای تزیین سمرقند بهترین صنعتگران ایرانی را جلب می‌کرد و بناهایی مانند گور امیر (مقبره تیمور) و مسجد حضرت و مقبره بی‌بی‌خانم (عیال تیمور) و مدرسه شیردار و غیره که همه از طرف ایرانی‌ها ساخته شده است از کمترین عنوان نام و شهرت صنعت ایرانی نیست.

گور امیر باشکوه‌ترین این یادگارهاست و از طرف محمد بن محمد اصفهانی ساخته شده است. در چند سال پیش مسلمانان روسیه مصمم شدند که در شهر پترزبورغ بنای مسجد عالی بکنند. جمعیتی از بهترین معمارها و مستشرقین ترتیب داده برای مسجد نقشه و طرح گور امیر را انتخاب نمودند و پس از صرف مبلغی گزاف در بهترین نقطه شهر اساس مسجد را گذاشتند. اکنون این بنا در کنار رود نوا به عظمت تمام جلوه‌گر است ولی تفاوت بین این بنا و

اصل آن که گور امیر باشد بسی زیاد است. با همه اینکه در بنای مسجد و سایر بناایی نسبت به پانصد سال پیش خیلی کامل تر بود و مبرزین معمارهای یک مملکت معظمی در بنای آن شرکت داشتند در مقابل اثر محمد بن محمد اصفهانی بسی حقیر و عاری از ارزش صنعتی است و این مسأله یک بار دیگر نشان می دهد که دبستان ایرانی ماوراءالنهر به چه حد و پایه از حیث صنعت مقام بلندی دارد و غیرقابل تقلید است.

در ایام سلطنت شاهرخ پسر امیر تیمور (قرن پانزدهم میلادی) خطنویسی و نقاشی بدون توقف به تکامل خود مداومت نموده و مرکز آن شهر جدیدالبناء هرات گردید. کتابهای مصور فراوان که از این عهد باقی است بهترین شاهد است. همین قدر می توان گفت که در هیچ عهدی خوش نویسان و نقاشها به این اندازه طرف تشویق و احترام نبودند. در سال ۱۴۱۹م / ۸۲۲ هـ شاهرخ نقاش معروف غیاث الدین خلیل را به سفارت نزد خاقان چین «دای منیغ» که از خاندانهای منیغ^(۲) است می فرستد. متعاقباً به اقدام و مباشرت با لینغور میرزا که خودش نیز خطنویس و نقاش بود یک میدان وسیعی برای صنعتگران هنرور باز گردید و در کتابخانه هرات بالینغور چهل نفر نقاش و خوش نویس ایرانی مستخدم بودند. اغلب آنها از مغرب ایران بغداد، همدان و تبریز آمده یک نوع سنگر مدافعه در مقابل نفوذ روزافزون صنعت چینی تشکیل می دادند. این بزرگترین عهد بود و در این عهد بود که ایران یک صنعتگر بزرگی رابه وجود آورد که نقاشی شرق آسیا و غرب آن را باهم امتزاج داده با «تکنیک» نقاشی چینی نقاشی خالص ملی ایرانی را به درجه تکمیل رساند به طوری که تا آن زمان کسی آن مقام را احراز نکرده شاید بعد از آن هم پایه صنعت بالاتر نرفت. این

صنعتگر استاد بزرگ بهزاد بود. در همان موقعی که در اروپا لئونارد داوینچی‌ها، رافائل‌ها، آلبردوررها برای افتتاح دوره تجدد در صنایع مستظرفه معجزنمایی می‌کردند در ایران بهزاد سکه تجدد را به نام خود زد. خوشبختانه بهزاد با یک وزیر ساعی و صنعت‌پرست معروف میر علیشیر نوایی هم‌عهد بود که همه‌گونه از او حمایت می‌نمود و به او کمک می‌کرد که قلم محیط و منبت خود را در میدان ایجاد و اختراع به حرکت و جولان درآورد.

خوش‌نویس معروف سلطان علی مشهدی نیز از همکاران بهزاد بود. در اطراف این خورشید درخشان یک سلسله از استادان نامور بودند که دبستان هرات را تشکیل می‌دادند. از آن جمله هستند خواجه غیاث‌الدین خراسانی، سلطان ابراهیم میرزا، امیرشاهی، میرک خراسانی، بالچهد و غیره که وسعت این مقاله مساعدت به ذکر اسامی تمام آنها ندارد.

در تحت نفوذ این دبستان در هندوستان دبستان هند - ایرانی که تخم آن به دستیاری غزنویان کاشته شده بود به درجه تکمیل رسید و شاهکارهای مانند تاج‌محل، مسجد فتحپور سکری به وجود آمد و بالاخره در قرن شانزدهم مقامی را که ایتالیا برای تجدد در اروپا اتخاذ کرد ایران برای تجدد صنایع عثمانی و هندوستان احراز کرد. حوادثی که پس از قرن هجدهم در کلیه ایران رخ نمود و یک انقراض عمومی را باعث گردید در ترکستان نیز اثر خود را بخشیده و امروز متأسفانه در آن سرزمین حتی خاطره‌ای هم از عظمت گذشته باقی نمانده است.

یادداشت:

۱. مقصود از دبستان سبک نقاشی مخصوص بود که اساتید ایجاد می‌کردند.

۲. دوره منیغ‌ها در چین بهترین دوره صنایع است.